



به من ایمان نیاورده است
کسی که شب سیر بخوابد
و همسایه‌اش چیزی نخورده باشد.
رسول اکرم (ص)

«همسایه» شرح روایتی از یک زندگی است و ما در هر شماره، یکی از آنها را تصویر می‌کنیم که نیاز به کمک شما دارد تا به نفس کشیدن ادامه دهد. شما می‌توانید برای کمک به خانواده‌ای که در همسایه به روایت زندگی‌اش پرداخته‌ایم از پیوندهای انتهای صفحه استفاده کنید. با اسکن رمزیننه قرار داده شده یا وارد کردن نشانی اینترنتی می‌توانید نمایه این خانواده را در سایت «سایه» ببینید و کمک نقدی یا غیرنقدی خود را برایشان ارسال کنید.

روایت ۳ نیازی که جریان زندگی ۳ خانواده را متوقف کرده است

این هفته در همسایگی ما

پای لنگ زندگی

صفحه همسایه

شماره تماس روزنامه جام جم

داخلی ۱۳۶۲-۲۳۰۰۴۰۰۰



علیرضا رفتی

روزنامه نگار

این دوازدهمین شماره از صفحه همسایه است. اول ماجرا، وقتی تصمیم به این شد که با همکاری سایت سایه هر هفته نیاز مردم آبرومند را معرفی کنیم تا خواننده‌های روزنامه در حد توان به آنان کمک کنند؛ چیزی بین دودلی و ناامیدی ته دلم بود که می‌گفت مگر مردم از طریق روزنامه به نیازمندان کمک می‌کنند؟ چقدر احتمال دارد این صفحه کارآمد باشد؟ چقدر احتمال دارد کسی که این مطلب را می‌خواند، تصمیم بگیرد به کسانی که معرفی کرده‌ایم، کمک کند؟ آن هم از طریق اسکن کردن بارکد دیجیتالی واز درگاه پرداخت یک سایت اینترنتی. قابلیت‌هایی که شاید خیلی از خواننده‌های روزنامه امکانات استفاده از آن را نداشته باشند. اما حالا که دوازدهمین شماره از همسایه را می‌نویسیم، تمام دودلی و شک‌های روز اول به یقین تبدیل شده است. یقین به این که مردم بزرگند و سخاوتمند. همین که هر هفته به طور میانگین یک تا سه میلیون تومان برای افراد نیازمند معرفی شده در این صفحه جمع‌آوری می‌شود، نشان‌دهنده بزرگواری و کرامت خوانندگان محترم و همسایه‌های گرمی است. در این شماره نیز سه نیاز از سه خانواده ساکن تهران، اصفهان و کرمانشاه را مطرح کرده‌ایم؛ نیازهایی که در این مقطع، نیاز مبرم این خانواده‌هاست و زندگی‌شان متوقف به برطرف شدن این نیازهاست. به امید خدا و همت شما همسایه‌های عزیز، امید است این مشکلات نیز تا هفته آینده برطرف شده باشند.



آرزوی کوله صورتی

امیرعلی و الناز، ۱۲ ساله و پنج ساله همراه مادرشان در استان کرمانشاه زندگی می‌کنند. پدر این خانواده به علت بیماری ریه فوت شده. خانواده هر چه پس انداز داشتند را برای درمان پدر هزینه کردند. حتی بیشتر اسباب و اثاثیه منزل‌شان را فروخته و هزینه درمان پدر کردند، اما بی‌نتیجه ماند و پدر از دنیا رفت.

حالا این خانواده در مضیق اقتصادی روزگار می‌گذرانند و درآمد منظمی از جایی ندارند. الاند ختر پنج ساله این خانواده امسال باید به پیش دبستانی برود، اما تا همین هزینه‌های آن از جمله لباس و نوشت افزار از عهده مادر خانواده خارج است. در این شماره از همسایه قصد داریم هزینه لباس و نوشت افزار و شهریه پیش دبستانی الناز را جمع‌آوری کنیم.

شاید بزرگ‌ترین دردی که آدم در زندگی تجربه می‌کند این باشد که قهرمان زندگی‌اش جلوی چشمش قطره قطره آب شود و کاری از دستش برنیاید. پدر این خانواده که به بیماری ریه مبتلا شد، روز به روز شروع به لاغر شدن کرد و هر روز بیشتر از روز قبل درد کشید. خانواده، مادری که هنوز جوان بود و سن و سال و تجربه چندان نداشت و یک پسر بچه و دختری که هنوز خیلی خردسال بود همه توان‌شان را گذاشتند که پدر خانواده، قهرمان زندگی‌شان را دوباره سر پا ببینند. هر چه پس انداز در سال‌های زندگی و سختی و کار جمع کرده بودند هزینه درمان کردند. تا جایی که پس انداز خانواده تمام شد. از آن به بعد شروع کردند به فرختن بعضی اسباب و اثاثیه منزل و هزینه کردن پول آن برای معالجه پدر، اما باز هم نتیجه نداد و پدر خانواده از دنیا رفت. بعد از پدر، مادر خانواده ماند و یک دختر و پسر از آب و گل درنیامده و خانه‌ای که دیگر چیز زیادی داخلش نبود. امیرعلی به هر شکلی که هست درس می‌خواند و مادر هر طور که هست و با کمک این‌و آن، هزینه‌های تحصیل را می‌دهد. اما الناز، دختر پنج ساله این خانواده هم امسال باید به پیش دبستانی برود و تأمین هزینه‌های تحصیل او دیگر از عهده مادر خارج است.

تویک پروانه‌ای

آنان جدا شده است. در حال حاضر مادر این خانواده به دلیل مشکلات زیاد معیشتی و فشارهای عصبی، به بیماری اعصاب و روان دچار شده و تحت نظارت و درمان پزشک است. این مادر و فرزند برای گذران زندگی و تأمین نیازهای اولیه و داروهای پسر بچه، نیاز به ماهیانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان دارند. در این شماره از همسایه قصد داریم هزینه یک ماه این زندگی را جمع‌آوری کنیم.



به این بیماری مبتلا شده مسؤولیم. این مادر و فرزند برای گذران زندگی و تأمین نیازهای اولیه بیماری به ماهیانه ۲ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان نیاز دارند که مادر این شماره قصد داریم هزینه یک ماه برای‌شان جمع‌آوری کنیم. در صورتی که مایلید بیش از این مبلغ به این خانواده کمک کرده یا برای گذران ماه‌های بعد کمک و یا راه‌کاری ارائه کنید، با صفحه همسایه تماس بگیرید.

رویای بر آب

خانواده پنج نفره ساکن تهران. پدر خانواده درگیر اعتیاد بوده اما قصد ترک کردن دارد. دو پسر ۱۴ و ۱۵ ساله دارند که در حال حاضر در خیابان و بازاری دستفروشی می‌کنند که خرج خانواده را تأمین کنند. پدر این خانواده قصد دارد به کمک ترک اعتیاد برود و اعتیاد را ترک کند اما خانواده نه توان پرداخت هزینه کمک ترک اعتیاد را دارند نه می‌توانند دو ماهه در نبود پدر معیشت خانواده را تأمین کنند. مادر این خانواده به دلیل باردار بودنش و هم به دلیل مراقبت از دختر ۵ ساله‌شان نمی‌تواند شاغل باشد. در این شماره از همسایه قصد داریم هزینه کمک ترک اعتیاد سرپرست این خانواده را تأمین کنیم.

اعتیاد یک درد است برادر، ترک کردنش هزار درد. وقتی آرام آرام وارد این باتلاق می‌شوی خودت نمی‌فهمی داری با خودت و زندگی‌ات چه می‌کنی. جایی به خودت می‌آیی که می‌فهمی داری زندگی خودت، آینده و رویاهای فرزندان را می‌سوزانی. حالا اگر تصمیم بگیری اعتیاد را ترک کنی و دوباره دست به زانو بزنی و برای زن و بچه‌هایت زندگی بسازی، هزار جور مشکل و درد دیگر مقابلت قرار می‌گیرد. یکی همین که اگر بخواهی اعتیاد را ترک کنی باید یکی دو ماه در کمک ترک اعتیاد باشی و ندانی در این یکی دو ماه به خانواده‌ات چه خواهد گذشت. آیا شب به شب سر سفره‌شان یک تکه نان می‌رسد یا نه؟ آیا در امنیت و آسایش هستند یا خیر؟ و هزار جور سوال و مشغله ذهنی دیگر که یک لحظه راحت نمی‌گذارد. این خانواده دو پسر ۱۴ و ۱۵ ساله دارد که این روزها در خیابان‌های پایین شهر تهران بازاری دستفروشی می‌کنند، بلکه بتوانند بخشی از نان شب خانواده را تأمین کنند. مادر خانواده هم که باردار است و نمی‌تواند بیرون از خانه کار کند، برای دختر پنج ساله‌شان روزها و شب‌ها رویا می‌بافد که پدرش وقتی از کمک ترک اعتیاد برگشت، پاک و سالم، تمام آن رویاهای آرزوها را برآورده کند. حالا این خانواده مانده‌اند و مشکل تأمین هزینه‌های کمک ترک اعتیاد و هزینه‌های جاری مدتی که پدر در کمک است.



برای کمک
به این خانواده
از این پیوند
استفاده کنید

پیگیری

هفته پیش در صفحه همسایه دو نیاز کوچک از دو خانواده را معرفی کردیم که برای کودکان‌شان رویاهایی بزرگ بودند. یک مورد نیاز به تبلت یا گوشی هوشمند برای دانش‌آموزی که از تحصیل مجازی به دلیل نداشتن گوشی هوشمند، بازمانده بود و یک مورد نیاز به تلویزیون برای خانواده ساکن استان فارس. برای خرید تلویزیون مبلغ یک میلیون و ۵۷۰ هزار تومان جمع‌آوری شد، اما نیاز به تبلت همچنان برطرف نشده باقی مانده است.



برای کمک
به این خانواده
از این پیوند
استفاده کنید



برای کمک
به این خانواده
از این پیوند
استفاده کنید